

ایران سالخورده می‌شود

سالمندی به فرایندهای آرام و پنهان زیست شناختی اطلاق می‌گردد که با افزایش سن سبب تغییرات مخربی در ساختارهای بدن شده و موجب کاهش عملکرد آنها می‌شود در مورد سن به اوج رسیدن این فرایندها اختلاف نظر بسیاری وجود دارد اما از سال ۱۹۹۹، کمیسیون جمعیت و توسعه سازمان ملل شصت سالگی را به عنوان آستانه سالمندی در نظر گرفته است که هر روز افراد بیشتری در جهان به آن می‌رسند. منظور از سالمندی جمعیت، افزایش نسبت تعداد افراد ۶۰ ساله و بیشتر به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر ۱۵ سال است که به دو دلیل اصلی صورت می‌گیرد. کاهش نرخ باروری (متوسط تعداد فرزندان یک خانواده) باعث کاهش جمعیت زیر ۱۵ سال می‌شود و از طرف دیگر به علت افزایش متوسط طول عمر و امید به زندگی تعداد افراد بالای ۶۰ سال بیشتر خواهد شد.

در این بین کشور ما هم در معرض سالمند شدن می‌باشد. بطوری که اگر نرخ باروری به اندازه میزان فعلی باقی بماند تا سال ۱۴۳۰ وضعیت رشد سالمندی به صورت نمودار مقابل خواهد بود:

و این بدان معنی است که تا سال ۱۴۳۰، حدود ۳۰٪ جمعیت را افراد مسن تشکیل خواهند داد.

آینده سالمندی ایران در مقایسه با جهان

طبق آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۱۲، کشور ایران در سال ۲۰۵۰ میلادی (۱۴۳۰ شمسی) جزء پیرترین کشورها و از میانگین سنی جهان، آسیا، آمریکا، کانادا، آمریکای لاتین و رژیم صهیونیستی هم پیرتر خواهد بود. این در حالیست که در زمان انتشار این آمار (۲۰۱۲)، کشور ما با نسبت سالمندی ۸٪ جزء جوانترین کشورها بوده است.

از آنجا که در جامعه ی سالمند نسبت افراد در سن باروری چنان پایین می‌آید که آنها دیگر نمی‌توانند مرگ و میرهای جامعه را جبران کنند این موضوع علاوه بر کاهش جمعیت با ایجاد یک دور معیوب سبب کاهش بیشتر نسبت متولدین و تشدید مشکل سالخوردگی، جامعه را دچار ضعف در تجدید نسل می‌کند.

پیامدهای سالمندی جمعیت

تامین اجتماعی و بیمه بازنشستگی

از پیامدهای منفی سالمندی جمعیت افزایش بار تکفل جامعه می‌باشد. ازدیاد انبوه بازنشستگانی که سهم تولیدی آنها تقریباً صفر است فشارهای اقتصادی زیادی به دولت وارد می‌کند. در اثر سالخوردگی جمعیت بار تکفل جامعه (نسبت سالخوردگان به جمعیت در سنین کار) افزایش خواهد یافت و از سویی، شمار افراد مستمری بگیر بازنشسته و از سوی دیگر شمار افراد سالمند نیازمند به حمایت بالا خواهد رفت. این دو عامل موجب خواهد شد که بار مالی صندوق های بیمه افزایش یابد و به احتمال زیاد موجب بروز بحران های مالی شود. به عبارت دیگر در حالیکه میزان نیروی کار در سالهای آینده کاهش می یابد، تعداد مستمری بگیران روند افزایشی خواهد داشت که این مسئله از یکسو موجب کاهش منابع دریافتی صندوق (حق بیمه ها) و از سوی دیگر موجب افزایش مصارف صندوق می گردد. این امر ممکن است اتخاذ راهکارهایی مانند افزایش سن بازنشستگی و یا کاهش میزان بیمه بازنشستگی را ضروری سازد و به دنبال آن نارضایتی بیمه شدگان و مشکلات و بحران های اجتماعی و سیاسی را موجب شود



اقتصاد

با سالمند شدن جمعیت به علت کاهش تعداد متوسط فرزندان خانواده ها با یکی از مهم ترین پیامدهای منفی اقتصادی یعنی کاهش نیروی کار که از آن به عنوان جمعیت فعال یاد می‌شود، روبرو خواهیم بود. در نتیجه از سویی از شمار مالیات دهندگان در سطح کلان و حق بیمه پردازها در سطح خرد کاسته می‌شود و موجب کاهش در آمد دولت و نیز موجب تقلیل در آمد صندوق های بیمه به ویژه سازمان تامین اجتماعی خواهد شد. از طرف دیگر کاهش نیروی کار و افزایش افراد مصرف کننده باعث کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود و آنگاه اثرات منفی

بسیاری به دنبال خواهد داشت که از جمله می‌توان کاهش صادرات محصولات صنعتی، افزایش واردات، کاهش ذخایر ارزی و در نتیجه افزایش بدهی های خارجی را پیش بینی کرد.



بهداشت، درمان و نگهداری

بخش بزرگی از فشارهای سالخوردگی جمعیت مربوط به هزینه هایی است که جامعه باید برای حفظ سلامتی سالمندان صرف کند محققین ایرانی با توجه به تجارب کشورهای دیگر در زمینه هزینه های سالمندی در مورد افزایش تصاعدی این هزینه ها در ایران هشدار داده اند. افزایش این هزینه سرباری از آن جهت وضعیت وخیم تری می یابد که جمعیت فعال انگیزه کمتری برای نگهداری از سالمندان دارند و مخارج درمانی سالمندان بالاتر از کودکان است. باید در نظر داشت که شکاف نسلی و گسست فرهنگی هم به این موضوع دامن می‌زند.

از آنجا که نسل جوان وظیفه حمایت نسل مسن را برعهده دارد، عدم تعادل ایجاد شده در سالهای آتی باید یکی از بزرگترین نگرانی های سیاستگذاران و دولتمردان باشد. در شرایط فعلی با وجود اینکه هر پدر و مادر پیری از نسل گذشته معمولاً تعداد ۴ تا ۶ فرزند دارند، به سختی مورد حمایت و مراقبت قرار می‌گیرند. حال باید تصور کرد که والدین در خانواده هایی که یک یا دو فرزند دارند در سالهای آینده چگونه تحت حمایت قرار خواهند گرفت؟ علاوه بر این، با افزایش تعداد سالمندان، میزان هزینه های درمانی و تامین اجتماعی نیز افزایش می یابد که مضاف بر محدودیت های منابع می‌باشد. یافته ها نشان می دهند در مورد مراکز، تا سال ۱۴۳۰ به سه برابر تخت های بیمارستانی، پنج برابر مراکز فیزیوتراپی و چهار برابر آزمایشگاه های موجود در ایران، نیاز خواهد بود. از طرفی تا آن سال ایران به تربیت سالیانه چند صد متخصص طب سالمندی، هزاران میلیارد ریال برای درمان فقط سالمندان دیابتی و بخشی بزرگ از بودجه جاری برای آموزش های پیشگیرانه نیاز خواهد داشت.

ایران و بحران سالمندی



تهیه و تنظیم:

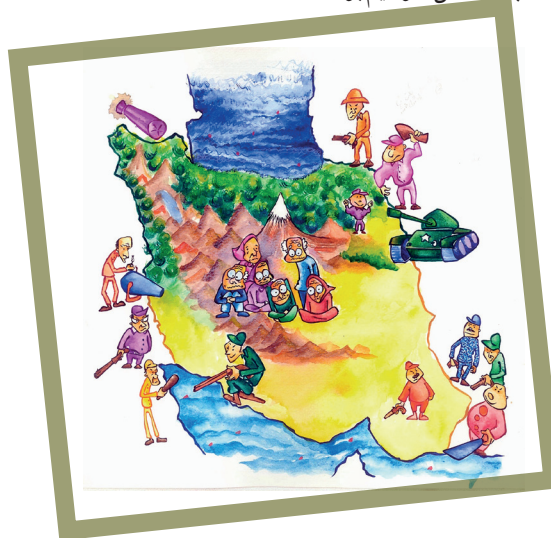
معاونت پژوهش شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده



امنیت

جمعیت یک کشور با قدرت دفاعی و امنیت آن کشور در ارتباط است. هر چند توجه به ساختار جمعیت در موضوع امنیت ملی به نسبت سال‌های گذشته کم رنگ‌تر شده است و در مسایل دیگری همچون اقتصاد تاثیر مخرب‌تری دارد ولی همچنان این موضوع مخصوصاً برای کشور ما که دارای موقعیت خاص سیاسی است دارای اهمیت بالایی می‌باشد.

یکی از مولفه‌های توان نظامی یک کشور، توانایی حکومت، برای بسیج کردن مردم جامعه در هنگام بروز جنگ و درگیری‌ها است. مسلماً جامعه‌ای قادر به بسیج شدن در هنگام بروز چنین بحران‌هایی است که درصد بالایی از آن را جوانان تشکیل داده باشند. بنابر با پایین بودن نرخ رشد جمعیت، جمهوری اسلامی ایران با داشتن جمعیتی سالخورده و رو به کاهش بسیار آسیب‌پذیر خواهد شد. آمارها نشان می‌دهد در آینده نه چندان دور با کاهش تعداد جوانان حتی در تأمین نیروهای سرباز وظیفه دچار مشکل خواهیم بود.



اجتماعی



وقتی درصد افراد مسن در جامعه ای افزایش یابد به موازات آن علاقه به محافظه کاری بیشتر و نوعی وابستگی به سنت‌های اجتماعی پیدا می‌شود. پیدایش محافظه کاری و مقاومت در برابر تغییرات، موجب درجا زدن و عقب ماندگی می‌شود. همچنین ریسک پذیری در چنین سنینی کاهش یافته و ما با جامعه ای که در ابداع و پذیرش نوآوری و اصلاحات از خود

ضعف نشان می‌دهد روبرو خواهیم شد. نباید فراموش کنیم که رشد علمی و نوآوری‌ها و موفقیت‌های امروزین کشورمان در عرصه دانش و ورزش و تولید به دلیل کثرت نسل فعلی جوان است و با کاهش نسبت جوانان تداوم این توفیقات بعید خواهد بود. همچنین سالمندان دارای انتظارات خاص خود هستند که از آن جمله می‌توان به ارزش دادن به جایگاه و منزلت آنها، ارج نهادن به تجربیاتشان، فراموش نشدن و توقع عشق و تعلق خاطر به آنها در قبال یک عمر زحماتشان اشاره کرد که حتی در صورت تأمین نیازهای اقتصادی، همچنان باقی است و باید مورد توجه جدی در ساختارهای جدید اجتماعی قرار گیرد.

کشاورزی

بدیهی است که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی، به عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی، در کشور ما به مجموعه ای از نیروهای خلاق، آموزش پذیر، ریسک پذیر، پویا، شاداب و ... نیاز است. این ویژگی‌ها نیز اغلب در جوانان بسیار بیشتر از سالمندان وجود دارد. بخش کشاورزی در سال‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای به سالخوردگی گراییده است. مهاجرت روستا به شهر از مهم‌ترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی در کنار کاهش نرخ باروری است و درصد اشتغال جوانان در این بخش بسیار پایین می‌باشد مهمترین نتایجی که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت عبارت است از: کاهش بهره وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، وابستگی کشور به مواد غذایی و نیاز به واردات این مواد از خارج، عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین، نداشتن خلاقیت و ...